محمدرضا جوزی در گفت‌وگو با علی میرسپاسی:

فردید هیچ‌وقت کشورش را تحقیر نکرد

محمدرضا جوزی، استاد، پژوهشگر و مترجم ایرانی فلسفه، عرفان و جامعه‌شناسی است و چندسالی است که دور از وطن و ساکن ایالات متحده است. «پرسش از خدا در تفکر مارتین هیدگر» نوشته جیمز ال. پروتی، «رساله سه اصل از ملاصدرا»، «مسائل فلسفهٔ اسلامی، از محمدجواد مغنیه»، «مقدمه‌نقد النصوص در شرح فصوص الحکم» و «جامع الاسرار و منبع الانوار» هر دو از سیدحیدر آملی از جمله ترجمه‌های استاد جوزی است. ایشان همچنین در تدوین مجموعه پنج جلدی An Anthology of Philosophy in Persia با سیدحسین نصر همکاری کرده‌اند است. استاد جوزی از جمله اشیانان یا مرحوم دکتر سیداحمد فردید و پیگیر جدی دروس و سخنرانی‌های او بوده‌اند است. علی میرسپاسی، استاد جامعه‌شناسی و مطالعات خاورمیانه در دپارتمان گالاتین دانشگاه نیویورک و رئیس مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه نیویورک در سال ۲۰۱۳ با محمدرضا جوزی درمورد مرحوم دکتر سیداحمد فردید گفت‌وگویی کرد که بعدا در سال ۲۰۱۷ و برایش شد و قسمت‌های اندکی از آن در کتاب میرسپاسی تحت عنوان Transnationalism in Iranian Political Thought: The Life and Times of Ahmad Fardid مورد استفاده قرار گرفت. میرسپاسی همچنین با همکاری حامد یوسفی مستندی راجع به فردید با عنوان «The Fabulous Life and Thought of Ahmad Fardid» نیز ساخته است. بخش‌هایی از مصاحبه‌های دیگر میرسپاسی راجع به فردید (مصاحبه‌هایی با عبدالکریم سروش، سیدحسین نصر، داریوش آشوری، رامین جهانبگلو، عباس امانت و...) در آن مستند یا کتاب استفاده شده یا در سال‌های اخیر توسط نشریات دیگر در ایران به چاپ رسیده است. متن حاضر بخشی از آن گفت‌وگوی فوق‌الاشاره میان محمدرضا جوزی و علی میرسپاسی است که به‌مناسبت سالگرد وفات سیداحمد فردید در صفحه اندیشه «فرهیختگان» و در دو قسمت به چاپ می‌رسد. علاقه‌مندان می‌توانند ادامه این مطلب را در صفحه اندیشه «فرهیختگان» فردا پیگیری کنند.

آقای جوزی شما گفته بودید که ابتدا به عنوان دانشجوی دانشکده ادبیات با آقای دکتر فردید آشنا شدید که در همان سال‌های ۱۹۶۰ به‌عنوان استاد فلسفه در آن دانشکده تدریس می‌کرد. گفتید که در کلاس‌های ایشان شرکت می‌کردید و بعد هم تزتان را با دکتر صدیقی نوشتید و سپس به انگلیس رفتید و بعد از بازگشت به ایران پس از انقلاب هم در کلاس‌ها و سخنرانی‌های ایشان شرکت می‌کردید و تقریبا هم با ایشان نزدیک شدید. پرسش‌های من عمدتا حول تفکر دکتر فردید و تأثیر تفکر ایشان است، به‌ویژه پس از بازگشت شما و در دوران پس از انقلاب. اما پیش از آن می‌خواهم سؤال دیگری از شما بپرسم. آیا پیش از انقلاب و در زمانی که شما ایران بودید با وقتی به انگلیس رفتید به جز کلاس‌های دکتر فردید هیچ نشانه یا محفلی به‌محفلی تحت تأثیر دکتر فردید وجود داشت که مستقیم یا غیرمستقیم معنکس شده باشد؟

من سال ۱۳۴۶ به دانشگاه تهران رفتم و اوایل سال ۱۳۴۷ تقریبا به‌طور مرتب در کلاس‌های دروه لیسانس و فوق لیسانس دکتر فردید به صورت مستمع آزاد شرکت کردم و به‌تدریج با ایشان مانوس شدم. بعد از مدتی ایشان اجازه دادند در منزل شان هم با ایشان ملاقات کنم و سؤالاتم را بپرسم. این ملاقات‌ها تا نه‌نمه‌شب هم به درازا می‌کشید. البته سال ۱۳۵۳ یا سالوت من به انگلستان چند ماهی در این دیدارها وقفه افتاد. دکتر فردید هیچ‌وقت آدم گمنامی نبود و این دیدارها و سخنرانی‌هایشان برای من بسیار مهم بود تو چه جامعه آکادمیک و نویسندگان و روشنفکران قرار گرفت. من شاگرد مرحوم دکتر غلامحسین صدیقی بودم و یادم می‌آید که ایشان یک روز در کلاس درس جامعه‌شناسی عمومی به ما نسبتی دادند که اینجا به احترام و تجلیل نام برد، اما گفت: «البته ایشان (یعنی فردید) فیلسوف نیست ولی متفلسف است، شاید مقدمتش این بود که فردید در دانش فلسفه مهارت و ممارست دارد و به‌قول غربی‌ها philosophize می‌کند، اما مثل ابن سینا یا ملاصدرا فیلسوف میرفت ممکن نخستین‌بزرگی